

- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی پاریس
- 9) W. Ivanow, *Concise Descriptive Catalogue of the Persian Manuscripts in the collection of the Asiatic Society of Bengal* (1924).  
فهرست نسخه‌های خطی انجمن آسیایی بنگال
- 10) *Catalogue of the Persian... Manuscripts in the Bodleian Library* (1889).  
فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه بادلیان در آکسفورد
- 11) *Catalogus Codicum Orientalium Bibliothecae Academiae Lugduno-Batavae* (1851 - 1877).  
فهرست نسخه‌های خطی کتابهای شرقی کتابخانه دانشگاه لیدن، هلند.
- 12) *Handlist of Oriental Manuscripts at the John Rylands Library at Manchester* (1898).  
فهرست نسخه‌های خطی مجموعه لیندسیان در کتابخانه جان ریلاندز، منچستر.  
۱۳) مراجعه کنید به یادداشت شماره ۱.
- 14) *Journal of the Royal Asiatic Society.*
- 15) *Oriental College Magazine.*
- ۱۶) وزارت ارشاد اسلامی با توزیع محدود جزوه‌های ماهانه کوشش در رفع این کمبود دارد.

2) C. A. Storey, *Persian Literature : a bio - bibliographical survey* (1927 - 1971).

۳) همان: V

۴) بیشتر اطلاعات مندرج در این معرفی از مقدمه مسوسط مترجم روسی اخذ شده و در موارد ضروری صفحه مورداستناد در داخل متن در پراکنش مشخص شده است.  
۵) یادداشتها و دست‌نوشته‌های چاپ‌نشده استوری در اختیار انجمن پادشاهی آسیا قرار دارد. از بخشهای چاپ‌شده سه بخش به شرح زیر به فارسی ترجمه شده است: «ادبیات قرآنی»، «ریاضیات» و «تراجم احوال» (ص ۳۱).  
۶) از جمله در یکی از نامه‌های خود درباره «الذریعة الی تصانیف الشیعه» می‌گوید «چای نأسف است که امکان نداشتم که از این کتاب کاملاً بهره‌مند گردم. من سفارش ارسال آن را در سال ۱۹۴۳ به کتابفروشی داده بودم، اما در سال ۱۹۵۱ به‌دستم رسید» (ص ۲۷).

7) H. Ethé, *Catalogue of the Persian Manuscripts in the Library of the India Office* (1903 - 1937).

فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دیوان‌هند

8) Ch. Blochet, *Catalogue des Manuscrits Persans de La Bibliothèque Nationale* (1905 - 1912).

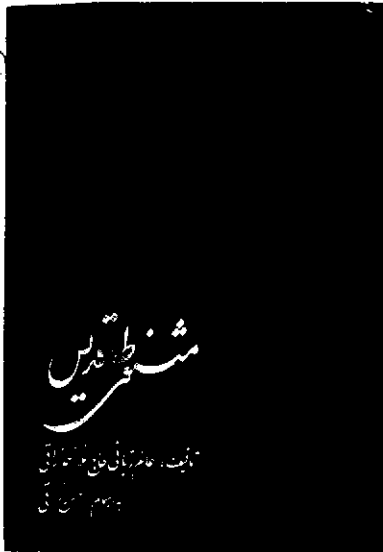
حاج ملا احمد نراقی (۱۱۸۵-۱۲۴۵ق) از جمله مجتهدان و حکمای اخلاقی و ادبا و فقهای امامیه در قرن سیزدهم است. پدرش حاج ملامهدی بن ابی‌ذر (متوفای ۱۲۰۹ق) موصوف به‌خاتم‌المجتهدین از فقهای بزرگ شیعه و حکیم و ریاضی‌دان و اخلاقی و فرهنگ‌نامه‌نویس و ادیب قرن دوازدهم، صاحب تألیفات گرانمایه‌ای است که بعضی از آنها را فرزندش حاج ملا احمد تلخیص یا تهذیب یا تکمیل کرده است. فرزند ملا احمد حجة الاسلام محمد ملقب به عبدالصاحب (متوفای ۱۲۹۷ق) نیز از علمای گرانقدر قرن اخیر است. حاج ملا احمد شاگرد سیدمهدی بحر العلوم و استاد شیخ مرتضی انصاری است. بعضی از تألیفات او عبارت است از: *عوائد الایام*، *مناهی الوصول الی علم الاصول*؛ شرح *تجرید الاصول*؛ (متن از ملامهدی)؛ *اسرار الحج* (به فارسی)؛ *اجتماع امر و نهی*؛ *حجیه مظنه*؛ *اساس الاحکام*؛ *سیف الامة* (در رد یکی از علمای نصارا که آثاری در رد اسلام و قرآن نوشته بود)؛ *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*؛ *جامع المواعظ*؛ *هدایة الشیعه*؛ *عین الاصول*؛ *معراج السعادة* (ترجمه و تلخیص جامع السعادات ملامهدی است)؛ *الرسائل والمسائل*؛ *وسیلة النجاة*؛ *خزائن العلوم* (که به شیوه مشکلات العلوم مرحوم والدش کشکول وار است) دیوان اشعار (که شمه‌ای از غزلیاتش در چاپ جدید طاق‌دیس نقل شده) و *مثنوی طاق‌دیس*.

از آنجا که در شماره پیشین نشر دانش بحث مستوفایی درباره زندگی و مقام علمی ملا احمد نراقی درج شده بود، لذا در این مقاله

# مثنوی طاق‌دیس

بهاء‌الدین خرمشاهی

مثنوی طاق‌دیس، به همراه منتخبی از غزلیات عالم ربانی حاج ملا احمد فاضل نراقی. به اهتمام حسن نراقی. تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ۴۷۲ص.



به بحث دربارهٔ مقام عرفانی و ادبی او و در واقع بررسی اجمالی مثنوی طاقدیس می‌پردازیم.

ملا احمد در عرفان نظری شیعه، که علی‌الخصوص از عهد صدر المتألهین و به همت او آمیخته‌ای از کلام و اخلاق و فلسفه و عرفان است، دست دارد. و روحیهٔ با نشاط عارفانه‌ای بر سراسر قصص و فصول مثنوی طاقدیس سایه گسترده است و به گفتار او دلنشینی و ژرفی بخشیده است. پس از ملا صدرا، علمای بزرگ امامیه همه بر این سیره بوده‌اند، چنانکه فی‌المثل از ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی گرفته تا حاج ملاحادی سبزواری و حاج میرزا حبیب خراسانی و علامه طباطبائی و امام خمینی همه اخلاق و ادب و حکمت و عرفان و کلام را با هم دارند. دکتر عبدالحسین زرین کوب در کتاب جدید انتشار دنباله جستجو در تصوف ایران در باب جنبهٔ عرفانی و ذوق ادبی ملا احمد چنین می‌نویسد:

تعدادی از فقهای این عصر هم بودند که با وجود شهرت به فقه و اجتهاد به سبب بعضی عوالم معنوی و ذوقی نزد طالبان عرفان هم مورد تکریم فوق‌العاده می‌شدند و در حقیقت بی‌آنکه داعیهٔ ارشاد داشته باشند احوال و اقوالشان آنها را از فقهای عامه متمایز می‌کرد. از این جمله حاجی ملا احمد نراقی (وفات ۱۲۴۴) که یک فقیه بزرگ عصر و صاحب تألیفات متعدد در فقه و اصول بود و ذوق شعری را هم با مشرب عرفانی جمع کرده بود، و از این حیث احوالش یاد آور احوال ملا محسن فیض در عصر صفوی محسوب می‌شد. معراج السعاده‌ی وی احیاء کیمیای سعادت و تا حدی موافق با مشرب فیض و غزالی بود. وی در مثنوی طاقدیس و لسان‌الغیب خویش بعضی اقوال مولانا جلال‌الدین را با طرز بیانی که لحن فقیهانه‌اش آن را از آنچه نزد صوفیه متداول است ممتاز می‌دارد، ادا می‌کند. حتی مؤلف ریاض العارفین او را که در فقه و اجتهاد تالی و خلف پدرش حاجی ملامهدی نراقی (وفات ۱۲۰۹) محسوب می‌شد در عداد شعرای عارف مسلک معاصر خویش نام می‌برد.

مثنوی طاقدیس پیش از این بیش از ده‌بار در ایران و خارج از ایران، غالباً به شیوهٔ چاپ سنگی انتشار یافته بود، و اینک به همت یکی از احفاد مؤلف، محقق فاضل معاصر آقای حسن نراقی، صاحب تاریخ اجتماعی کاشان و چند اثر دیگر، به اسلوبی دلپذیر به طبع رسیده است. این مثنوی چنانکه دکتر زرین کوب هم اشاره کرده بود، بر سبک و سیاق مثنوی مولوی است، و به حق به آن «دفتر

هفتم مثنوی» لقب داده‌اند. محمود میرزای قاجار که از دوستان و معاصران حاج ملا احمد بوده در اشاره به این اثر گوید: به سیاق مولوی مثنوی دارند که فی‌الجمله امتیازی دارد. اسلوب و ساختمان این اثر شباهت هر چه تمامتر به صورت و محتوای مثنوی معنوی دارد. نراقی به اقتضای مثنوی (و پیشینیان مولوی از جمله عطار و سنائی) داستان در داستان می‌آورد و تمثیلات کنایی و مواعظ اخلاقی و طرح قصص و امثال و حکمش درست مانند مثنوی مولوی است و بر همان وزن. تأثیر بعضی از داستانهای مولوی از جمله داستان طوطی و فصادی که می‌خواست مجنون را فصد کند (طاقدیس، صص ۱۸۶-۱۸۷) متأثر از مولوی است. و اگر مرحوم ادیب نیشابوری این قطعه را به مثنوی نسبت می‌داده حق داشته و مرادش همین اقتباس ملا احمد از مولانا است که می‌گوید: ترسم ای فصاد چون فصدم کنی / نیشتر را بر رگ لیلی زنی. چنانکه بعضی عبارات یا حتی مصرعهای مولوی با اندکی اختلاف در طاقدیس آمده است. از جمله: يك دهن خواهم به پهنای جهان (ص ۱۳۸) + می‌شناسد شاه را در هر لباس (ص ۱۴۶) + دیده‌ای دارد حجب سوراخ کن / پرده‌ها را برد از بیخ و بن (۱۴۷) [مولانا می‌گوید: دیده‌ای خواهم سبب سوراخ کن / تا سبب را بر کند از بیخ و بن] + وین عدمهایی که شد هستی نما [مولانا گوید: ما عدمهاییم هستی‌انما] و نظایر آن. یکی دیگر از وجوه شباهت نراقی به مولوی، بی‌بروایی اوست در بیان داستانها (از جمله ص ۲۳۲-۲۳۳، ۳۶۳).

سراینده طاقدیس طرح این مثنوی را در چهاربخش یا صفه ریخته بود که به سرایش دو صفهٔ آن بیشتر توفیق نمی‌یابد. و دنبالهٔ آن را طبق وصیتش فرزندش ملا محمد جواد متخلص به شقایب دنباله می‌گیرد، و صفه سوم را انشاء می‌کند و مشخصات يك نسخهٔ خطی آن در جلد سیزدهم فهرست کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران درج

شده و نسخه‌ای از آن نزد آقای حسن نراقی محفوظ است. اما کتاب حاضر به هیچ روی ناقص نمی‌نماید چه ساختمان این اثر داستان درداستان و به نحوی است که حدیقف خاصی ندارد و به هر قصه‌ای می‌تواند پایان بگیرد.

باری ملا احمد اهل ذوق و ظرافت عرفانی و ادبی بوده است و در شعر صفایی تخلص می‌کرده است و غزلیات و مثنویات او هر چند از نظر لفظی صرف چندان بلندپایه نیست (اتفاقاً کاستیهای لفظی و صوری اش هم با مثنوی مولوی قابل مقایسه است) ولی از نظر فکر و فرهنگ و اخلاق و عرفان حایز اهمیت است. حکایات و فصول این مثنوی یا متخذ از قرآن مجید است (از جمله نگاه کنید به تفسیر نفزی بر آیه کریمه یا ایها الانسان ما غرک بر بک الکریم- ص ۳۴۷) یا شرح احادیث، یا حکایات منسوب به انبیاء و اولیاء (بیش از همه حضرت ابراهیم (ع)) و پارسایان و ائمه اطهار (ع) (از جمله واقعه کربلا را در پایان همین مثنوی به نظم کشیده صص ۴۱۶-۴۳۲) یا حکایتهای غیر دینی یعنی عرفی و اجتماعی و امثال و حکم سایر در زبان مردم. مثل داستان شتر مرغ که نه می‌پرد و نه بار می‌برد (ص ۴۳۲) و داستان آن طمعکاری که خرس دریایی را به جای خیک پر از شهد یا روغن گرفته بود و جانش به خطر افتاده بود، و رفیقش از ساحل فریاد می‌زد که دست بردار و او جواب می‌داد من خیک را رها کرده‌ام، خیک مرا رها نمی‌کند (ص ۲۷۷).

نراقی حس انتقادی نیرومندی دارد: از فلسفه زندگی و نامذهبی فیلسوف نمایان که: نیک می‌فهمد هیولا و صور/ از هیولای خود اما بی‌خبر (صص ۱۱۸-۱۱۹) گرفته تا بی‌روشی صوفی نمایان بی‌حقیقت: راه و رسم صوفیان خواهی تمام/ حلق و جلق و دلق باشد و السلام (صص ۱۲۰، ۱۲۸، ۱۲۹) و از قشریگری فقیه نمایان که: فقه اعضا را سراسر خوانده است/ لیک اندر فقه جان درمانده است (صص ۱۲۳-۱۲۴، ۳۳۷) تا بی‌دردی و اعظان غیر متعظ (صص ۲۰۳، ۲۹۵-۲۹۶) انتقاد می‌کند.

دیگر از وجوه دلپسند هنر نراقی طنز اوست. رضاقلی خان هدایت که خود از معاصران حاج ملا احمد بوده در اشاره به ذوق و ظرافت او گوید: در زهد و ورع او را پایه قوی است. با این حال به وجد و ذوق معروف و به خوش فطرتی و شیرین مشربی موصوف. وقتی در کاشان مدرسه‌ای بنا می‌کردند. مولانا عبور نموده این بیت را بدیهتاً فرموده، بسیار خوب گفته: در حیرتم آیا زچه رو مدرسه کردند/ جایی که در آن میکده بنیاد توان کرد. از جمله داستانهای طنز آمیزی که ملا احمد در طاق‌دیس نقل می‌کند: داستان مدرسی است که از پیوستن یک شبیه العلماء به مجلس درس خود، و علامه دهر انگاشتن او، نطقش کور شده بود و زهره آن

نداشت که درس هر روزه اش را تلقین کند. تا آنکه تازه وارد لب به سخن گشود و پایگاه علوم خویش نمایان کرد (صص ۱۳۹-۱۴۱). یا داستان امیر معزولی که عادت به امر و نهی کرده بود و سرانجام از آنجا که ترك عادتش موجب مرض بود، به ابریق داری پرداخت تا به کسانی که آفتابه‌ها را برمی‌داشتند یا سرجا می‌گذاشتند امر و نهی کند (ص ۲۲۳) یا داستان روستایی ساده دلی که از دیدن مناره در مسجد شهر حیران شده بود و نمی‌دانست جماد است یا نبات است یا طبیعی است یا ساختگی است و سرانجام رندی به او تخم منار فروخت و گفت این را بکاری مناره و نردبان درمی‌آید (صص ۳۶۳-۳۶۵) و حکایت آن مرد که دوزن، یکی پیر و دیگری جوان داشت. آنکه جوان بود برای آنکه صورت و صولت جوانی شوهرش حفظ شود و از مصاحبت آن هووی پیر گریزان باشد، موهای سفیدریش و سیبیل او را می‌کند، و آنکه پیر بود، موهای سیاه او را می‌کند تا ادعا و افاده اش بالا نرود و بدین سان مویی بر سر و صورت او باقی نگذارده بودند (صص ۳۶۶-۳۶۷).

طبع و تصحیح جدید طاق‌دیس به همت آقای حسن نراقی انجام گرفته که مقدمه مفیدی درباره حاج ملا احمد و این اثر نگاشته است. نیز پانویسهای سودمندی در شرح لغات دشوار متن افزوده است. و نیز پیوست لازمی در توضیح آیاتی که در سراسر متن آمده است (صص ۴۲۳-۴۵۰).

اما غلطهای چاپی کتاب چندان کم نیست. و احتمال دارد نمونه‌های نهایی به نظر مصحح نرسیده باشد. اینک به اهم بعضی اغلاط و نیز بعضی سهواً القلمها اشاره می‌شود:

غلط	/	درست
بیدق	/	بیرق
فی الهواه	/	فی هواه
فی الفداه	/	فی فداه
کمان	/	گمان
برتع	/	یرتع
عمرگاهی	/	عمرگاهی
نیتواند	/	بنتواند
آهم	/	راهم
مانی و منی	/	مائی و منی

ص ۱۰۷ س ۲۲ و پانویس دوم: قرن به معنی همسر و همدست درست نیست، قرن درست است و اشاره دارد به زنان پیامبر (ص) که در خانه‌هایشان بنشینند (سوره احزاب، آیه ۳۳) چنانکه خود

مؤلف هم می گوید: «قرن فرمان شد زنان را در کتاب»

ص ۱۱۳، س ۱۷ / کمانها

ص ۱۱۳، س ۲۱ / نبض قاروره / نبض وقاروره

ص ۱۱۸، س ۲ / برلیغ / یرلیغ

ص ۱۱۹، س ۱ / لیک / نیک

ص ۱۳۵، س ۵ / شیروان / شیروان

ص ۱۴۰، س اول و یانویس اول: قسطاستی یعنی قسطابن لوقا بعلبکی [متوفای حدود ۳۰۰ق، دانشمند مسیحی یونانی الاصل و از مترجمین معروف آثار یونانی به عربی و سریانی - دایرة المعارف فارسی] و لذا ربطی به قسطاس: ترازوی عدل، ندارد. این شخصیت همان است که در صفحه ۱۷۱، سطر ۱۵ به صورت لوقا آمده (از باب تسمیه فرزند به نام پدر نظیر منصور به جای حسین بن منصور حلاج، یا حنبل به جای احمد بن حنبل) و در یانویس شماره ۴، به اشتباه نام یکی از حواریون عیسی (ع) و صاحب یکی از اناجیل اربعه دانسته شده است.

ص ۲۱۹، س ۲۴ خونش / احتمالاً: خویش [=خوی + اش

یعنی عرقش] که از «گل رخسار» می چکد. در اینجا خونش مناسبتی ندارد.

ص ۲۵۰، س ۱۵ واخجلتا / واخجلتا (چون با سیاه قافیه

شده است).

ص ۳۰۸، س دوم مثل «ماعشتم تموتون» اشاره به حدیث دارد،

نه به آیه قرآن.

ص ۳۳۳، س ۱۶ حیل / حیل

ص ۳۴۱، س ۱۵ عنوق / غبوق (به قرینه صبحی که در

همین مصراع آمده است، معلوم می شود که غبوق یعنی شراب شامگاهی درست است).

ص ۳۶۴، س ۵ گهی / کهی

ص ۳۸۳، س ۱۰ واپس / وامی

ص ۳۸۳، یانویس دوم: ماهار [=مهاری] به جهازشتر معنی شده

که درست نیست.

اینک برای حسن ختام داستان کوتاه و عبرت آموزی از طاقدیس نقل می شود:

## حکایت

بد یکی طرار از اهل دوان

رفت تا دکان بقالی دوان

پس به آن بقال گفت ای ارجمند

گردکانت را هزاری گو بچند؟

گفت ده درهم هزاری مشتری

زودتر درهم بده گر می خری

گفت صد باشد به چند این گردکان؟

گفت يك درهم بهای آن بدان

گفت با من گو که ده گردو به چند؟

گفت عشر درهمی ای ارجمند

گفت چبود قیمت يك گردکان؟

گفت او را نیست قیمت ای فلان

گفت يك گردو عطا فرما به من

داد او را گردکانی بی سخن

باز کرد از او یکی دیگر طلب

خواجه او را داد بی شور و شغب

گفت بازم گردکانی کن عطا

گفت بقال از کجانی ای فتی

گفت باشد موطن من در دوان

شهر مولانا جلال نکته دان

گفت رو ای دزد طرار دغل

دیگری را ده فریب از این حیل

باد نفرین بر جلال الدین تو

کو نمود این نکته ها تلقین تو

ای تو کودن تر ز بقال دکان

بی بهاتر عمرت از ده گردکان

گر کسی گوید که از عمرت بجا

مانده چل سال دگر ای مرتجی

چند باشد قیمت این چل سال را

بازگو تا بر شمارم مال را

فاش می بینم که می خندی براو

خوانیش دیوانه از این گفت و گو

پاسخش بدهی که گر ملک جهان

می دهی نبود بهای عمر آن

گر دهی صدملك بی تشویش را

می فروشم کی حیات خویش را

لیک ای کودن ببین بی قیل و قال

می دهی مفت از کف خود ماه و سال

بین که آن دیو لعین بی تاب و بیج

می ستاند روز روزت را به هیچ

۱. نگاه کنید به: «زندگی و نقش فقهانی ملا احمد نراقی» نوشته سید احمد کاظمی موسوی، نشر دانش، سال چهارم، شماره سوم، فروردین واردیبهشت ۱۳۶۳، صص ۸۴.  
 ۲. دنباله جستجو در تصوف ایران. تألیف دکتر عبدالحسین زرین کوب. تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۳۱۴.  
 ۳. سفینه المحمود [تألیف به سال ۱۲۲۰ق] از محمود میرزا قاجار. به تصحیح و تحشیه دکتر خیامپور. تبریز، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۴۶، ج ۲، ص ۴۲۰.  
 ۴. ریاض العارفین. تألیف رضاقلی خان هدایت. به کوشش محمدعلی گرکانی. تهران، محمودی، ۱۳۴۴، صص ۴۴۸-۴۴۹. نیز مجمع الفصحا، تألیف رضاقلی خان هدایت. به کوشش مظاهر مصفا. تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶-۱۳۴۰، ص ۷۰۰.